



10.48315/QGL.2025.491247.1162

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال پنجم، شماره چهارم (پیاپی ۱۸)، زمستان ۱۴۰۳، صص. ۱۳۰-۱۰۷

حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه؛ واکنش انفعالی شورای امنیت نسبت به حق آموزش کودکان فلسطینی

سیده لطیفه حسینی*

زینب عصمتی**

نوع مقاله: علمی- پژوهشی

چکیده

حق آموزش و پرورش همواره یکی از مهم‌ترین حق‌های بشری به شمار رفته و اغلب اسناد حقوق بشری نیز به وجود چنین حقی اذعان داشته و آن را در زمره حقوق بنیادین افراد از جمله مهم‌ترین تعهدات دولت‌ها دانسته‌اند. حق آموزش را می‌توان حق بر انسان بودن و حق بر بالندگی و شکوفایی که لازمه هویت و ذات انسان است، تعبیر کرد. حق کودکان بر آموزش، کلید توسعه فردی و جمعی است. در سراسر جهان در زمان مخاصمه این حق برای کودکان نادیده انگاشته شده است. بدون دسترسی به آموزش، نسلی از کودکان که در شرایط جنگ زندگی می‌کنند، بدون مهارت‌هایی که برای کمک به دولت و اقتصادشان نیاز دارند، بزرگ شده و این امر وضعیت ناامیدکننده‌ای برای میلیون‌ها کودک و خانواده‌هایشان ایجاد می‌کند. در این میان کودکان فلسطینی که سال‌های طولانی، سایه جنگ را با تمام وجود حس کرده‌اند، از این امر مستثنی نیستند. از این رو واکاوی حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه و تحلیل ناکارآمدی شورای امنیت در ایفای نقش خود، ضرورتی غیرقابل انکار برای دستیابی به عدالت آموزشی و تقویت صلح پایدار جهانی است. در این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی از یک طرف حق آموزش و از طرف دیگر تعهد دولت‌ها در تضمین آن مطمح نظر است. در نهایت مشخص خواهد شد که خاستگاه اسلامی حق آموزش کرامت انسانی است و خاستگاه قانونی آن در جهان معاصر در زمان مخاصمه، مقررات حقوق بشردوستانه و قطعنامه‌های شورای امنیت است. این درحالی است که رژیم صهیونیست اسرائیل هر دو مبنا را نقض کرده و شورای امنیت همواره رویکرد انفعالی در قبال حق کودکان فلسطین اتخاذ کرده است.

واژگان کلیدی

کودکان فلسطینی، حق آموزش، تعهد دولت‌ها، شورای امنیت، اسرائیل.

* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

l.hosseini@alzahra.ac.ir

** استادیار گروه حقوق عمومی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

zeinab.esmati@iau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷

مقدمه

یکی از شیوه‌های ترقی انسان، علم آموزی است. علم آموزی در حقیقت سبب تقویت درک و فهم آدمی است و روح او را توسعه می‌دهد زیرا انسان را با مسائل مختلف آشنا می‌سازد، روابط مختلف موجود در جهان را به او می‌شناساند و او را در آفاق سیر می‌دهد. براساس نظر متفکران مسلمان و شیعه هر چه بتواند انسان را در سیر به کمال کمک کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵) یا هر چه قوه و توانایی و ابزار آن در انسان وجود داشته باشد (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۶۹)، حق انسان است. بر هر دو مبنای مذکور انسان حق دارد که علم بیاموزد و رشد کند و به تعالی برسد. پس باید برای بشر، حق آموزش را قائل بود که او بتواند بدون مانع جدی، در این راه گام بردارد.

در همین راستا، «حق آموزش» به عنوان یکی از حق‌های بشری از جمله حقوقی است که متعلق به تمامی شهروندان تحت حاکمیت دولت‌ها در هر سن و سالی است و به عنوان حقی مورد توجه قرار گرفته است که وسیله و مقدمه شناخت سایر حقوق انسانی است. حق آموزش در گفتمان حقوق بشری بی‌نیاز از مباحث نظری و بررسی‌های حقوقی نیست مفهوم حق آموزش، ماهیت این حق و مبانی توجیهی این حق نیازمند بررسی‌های عمیق نظری می‌باشد. با شروع جنگ اسرائیل علیه فلسطین، حقوق کودکان این سرزمین همواره مورد نقض و تهدید جدی قرار گرفت. کودکان افزون بر حقوق مصرح در اسناد حقوق بشر، از حمایت‌های خاص حقوقی در نظام بین‌الملل در حوزه حقوق بشردوستانه و غیر از آن نیز بهره‌مند می‌شوند که اسناد مختلف جهانی نظیر کنوانسیون حقوق کودک، این حقوق را شناسایی و بر اجرای آن تأکید کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین حق، حق آموزش کودکان می‌باشد که اسرائیل با بمباران مدارس شهرهای مختلف سرزمین فلسطین، آن‌ها را نقض کرده است. اقدامات نظامی اسرائیل علیه فلسطین بر اساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل از مصادیق بارز جنگ تجاوزکارانه به شمار می‌رود. در این جنگ، برخی کودکان قربانیان مستقیم و گروهی دیگر به دلیل آوارگی و بی‌سرپرستی، قربانیان غیرمستقیم جنگ شدند و در نهایت از حق آموزش محروم ماندند. اسرائیل به عنوان اشغالگر متعهد است حق آموزش کودکان فلسطینی را تضمین و زمینه و بستر اعمال آن را فراهم کند این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی در جهت پاسخ به این سؤال است که اصول حاکم بر اعمال حق آموزش کودکان فلسطینی در زمان محاصره چیست و اقدامات شورای امنیت به عنوان رکن اصلی سازمان ملل در این خصوص چه بوده است؟ در این مقاله ضمن بررسی تأثیر محاصرات مسلحانه بر برخورداری کودکان فلسطینی از حق آموزش، ضرورت تعهدات دولت‌ها در زمینه حمایت و ارتقاء حق آموزش در زمان جنگ تحلیل شد. با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد که خاستگاه اسلامی و اخلاقی حق آموزش، کرامت

انسانی است و خاستگاه قانونی آن در زمان مخاصمه در جهان معاصر، مقررات حقوق بشردوستانه و قطعنامه‌های شورای امنیت در خصوص ضرورت رعایت حق آموزش در مخاصمات است. این درحالی است که رژیم صهیونیست اسرائیل هر دو مبنا را نقض کرده و حق کودکان را نسبت به آموزش نادیده انگاشته است و شورای امنیت نیز در این خصوص رویکرد انفعالی اتخاذ کرده است و در قطعنامه‌های صادره از نقض حق آموزش کودکان فلسطینی نام نبرده است و رژیم صهیونیستی اسرائیل را ناقض این حق معرفی نکرده است. با توجه به افزایش روزافزون مخاصمات مسلحانه در سطح بین‌المللی و تأثیرات ویرانگر آن بر گروه‌های آسیب پذیر، به ویژه کودکان، بررسی حق بنیادین آموزش در بستر جنگ از اهمیتی حیاتی برخوردار است. در این میان، وضعیت کودکان فلسطینی که به صورت مداوم هدف نقض سیستماتیک حقوق آموزشی قرار می‌گیرند، نمونه‌ای برجسته از بی‌توجهی جامعه جهانی به اصول حقوق بشری و بشردوستانه است. انفعال شورای امنیت در برابر این نقض گسترده، نه تنها مشروعیت حقوق بین‌الملل را به چالش می‌کشد، بلکه زمینه‌ساز تداوم چرخه خشنونت، فقر آموزشی و نابرابری در نسل‌های آینده می‌شود. از این رو، واکاوی ابعاد این مسئله و تحلیل ناکارآمدی شورای امنیت در ایفای وظایف خود، ضرورتی غیر قابل انکار برای دستیابی به عدالت آموزشی و تقویت صلح پایدار جهانی است. به این ترتیب، در این مقاله ضمن تحلیل مفهومی حق آموزش، مفاهیم و موضوعات مرتبط نظیر مخاصمه مسلحانه و حقوق بشردوستانه، اشغال نظامی و تأثیر آن بر اعمال حق آموزش و سبقه درگیری‌های اسرائیل و فلسطین (قسمت اول) اصول حاکم بر حق آموزش در مخاصمات مسلحانه را مورد توجه قرار داده است (قسمت دوم)، زیرا ضرورت اعمال چنین حقی در زمان مخاصمه منوط به شناسایی اصول نظری حق آموزش و ماهیت تعهد دولت‌ها نسبت به آن می‌باشد (قسمت سوم) در نهایت بررسی خواهد شد که اسرائیل چگونه توانسته در لوای واکنش منفعل شورای امنیت در خصوص حق آموزش کودکان فلسطینی در مخاصمات مسلحانه از انجام این تعهد مهم حقوق بشری سر باز زند و حق کودکان فلسطینی را در بهره‌مندی از این حق مهم نقض کند (قسمت چهارم).

۲. پیشینه پژوهش

در این قسمت سعی شده تا برخی مطالعات که در جنبه‌های مختلف، مؤید زمینه‌ها و بسترهای عدم تحقق حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه به طور کلی می‌باشد و وجه تمایز با مقاله حاضر است، مورد اشاره قرار گیرند. مجتبی مروت (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه به این موضوع پرداخته است که کودکان در مخاصمات مسلحانه از چه حقوقی برخوردار هستند و چه اقداماتی در زمینه حفظ و نگهداری از کودکان باید انجام دهند؟

وی به این نتیجه می‌رسد همان‌گونه که کودکان در زمان صلح نیاز به امتیازات ویژه‌ای جهت رشد شخصیت و رفاه فردی و اجتماعی خود دارد، در زمان بحران این نیاز و ضرورت وجود دارد که وی را حمایت کنیم. ابراهیم مشهدی و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه بیان می‌دارند که کودکان عامل برانگیختن مخاصمات مسلحانه نیستند، اما همواره صدمات زیادی را در این رابطه به صورت گوناگون متحمل شده‌اند. بنابراین، از آن‌جا که بیشترین سهم صدمات ناشی از مخاصمات مسلحانه، متوجه این دسته از غیرنظامیان می‌شود، به همین جهت سازمان‌ها و نهادهای بشردوستانه و دولت‌ها را به اندیشه حمایت از این قشر آسیب‌پذیر واداشته است. روح‌الله اکرمی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه آسیای جنوب غربی و جرم انگاری آن در نظام‌های حقوقی افغانستان، سوریه و عراق در مقارنه با اسناد بین‌المللی در این راستا موضع نظام‌های جزایی سه کشور افغانستان، سوریه و عراق را نسبت به این موضوع مورد واکاوی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که هر سه نظام کیفری مورد مطالعه، به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه را جرم انگاری نموده‌اند. با توجه به این مطالب، اگرچه منابعی پراکنده نظیر مقاله و کتاب درباره نقض حقوق بشر افراد در مخاصمات مسلحانه به طور کلی به زبان فارسی و لاتین وجود دارد که به نحو کلی به تبیین موضوع پرداخته‌اند. منابع موجود، موضوع نحوه و امکان اعمال حق آموزش به‌مثابه حق بشری در مخاصمه مسلحانه به طور کلی و با تأکید بر واکنش انفعالی شورای امنیت نسبت به حق کودکان فلسطینی را با محوریتی که در این مقاله ارائه شده در برنمی‌گیرند. با این حال بهره‌گیری از همین منابع پراکنده در نگارش این مقاله به پژوهشگر کمک کرده است.

۳. تحلیل مفاهیم نظری

آشنایی با مفاهیم کلیدی هر پژوهشی علمی نخستین گام در مسیر پاسخ‌گویی به سؤالات آن پژوهش است؛ زیرا علاوه بر روشن کردن بهتر موضوع سخن، موجب تسهیل در انتقال مضامین می‌گردد. همچنین فهم مشترکی از واژگان و اصطلاحات استفاده شده در متن، باعث آن می‌شود که نگارنده و خواننده، بتوانند با فهم مشترک، به مطالعه یا نقد محتوای آن بپردازند. به همین دلیل در ابتدای پژوهش تبیین مفاهیم اصلی و پایه‌ای آن امری ضروری تلقی می‌گردد. از این رو در راستای بررسی و تحلیل موضوع اصلی پژوهش حاضر ابتدا به مطالعه مفهوم حق آموزش در ادبیات حقوق بشر جهانی خواهیم پرداخت و پس از آن مفهوم حقوق بشردوستانه و مخاصمات مسلحانه و تأثیر اشغال بر این حق را مطالعه می‌کنیم.

۳-۱. حق آموزش در ادبیات حقوق بشر جهانی

همان‌گونه که در ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک تضمین شده است، حق آموزش، اول از همه یک حق فرهنگی است که به وسیله عمل مثبت دولت‌ها تضمین می‌گردد. حق آموزش، دولت‌ها را برای توسعه و حفظ نظام مدارس و دیگر نهادهای آموزشی در جهت تهیه آموزش برای هر شخص، متعهد می‌کند. حق آموزش متضمن تعهدات خاص دولت‌ها برای تضمین آن برای هر شخص بدون تبعیض در دسترسی به آموزش و بهره‌مندی از آموزش به وسیله ابزارهای تقنینی و دیگر ابزارها می‌باشد. تعهدات مربوط به دولت‌ها برای ارتقاء برابری فرصت و رفتار در موضوع آموزش در کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش در ۱۹۶۰ مقرر شده است. یکی از روش‌ها برای ارتقاء برابری فرصت، ایجاد آموزش آزاد و اجباری تا یک سن معین است (Manfred Nowake, 1995, pp. 252-5).

در مورد ماهیت حق آموزش می‌توان گفت که این حق از یک طرف حقی مثبت محسوب می‌شود و نیاز به مداخله حمایتی دولت دارد. یعنی دولت تعهد دارد با اقدامات خود حداقل‌های آموزشی را برای افراد فراهم کند و در کنار این حق مثبت، دولت یا دولت اشغالگر باید افرادی را به عنوان نمونه والدین و افرادی که در سرزمین‌های اشغالی به سر می‌برند مانند فلسطینیان، در انتخاب نوع آموزش و محتوای آموزش آزاد بگذارد. همچنین در این جا نیاز به اقدام منفی دولت‌ها و دولت اشغالگر می‌باشد. یعنی منع مداخله تحدیدی از طرف دولت‌ها و دولت اشغالگر. بنابراین حق آموزش دارای ماهیتی دوگانه می‌باشد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ۲۵۶). بر اساس نظریه اراده، حق یعنی «اراده تضمین شده» بدین معنا که جوهره حق، وجود یک اراده آزاد است که می‌تواند اراده دیگران را مقید سازد (راسخ، چاپ سوم ۱۳۸۷، ۱۵۷). بنابراین می‌توان در تبیین ماهیت حق آموزش به گونه‌ای نظریه اعمال اراده را به کار گرفت. زیرا ماهیت اعمال و اجرای حق - ادعایی مانند حق آموزش، در واقع بازگشت به همان آزادی صاحبان حق در به کارگیری آن می‌باشد. در واقع حق آموزش از طرف دولت تعهد و از طرف شهروندان، آزادی در به کارگیری آن می‌باشد. به این معنا که اعمال اراده آزاد افراد در به کارگیری حق آموزش نقش مهمی دارد. البته منفعت تضمین شده برای تبیین ماهیت حق آموزش نیز نقش برجسته‌ای دارد با این تعبیر که باید حق آموزش را منفعتی تلقی کنیم که دولت به عنوان متعهد، آن را برآورده کند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۸، ۲۶۴). مطابق ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق آموزش برای همگان به رسمیت شناخته شده است (Univesal Declaration of Human rights, 1948, Art 26).

ماده ۱۳ میثاق حقوق فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی مقرر می‌دارد که کشورهای طرف میثاق باید حق هر فردی را نسبت به آموزش و پرورش به دور از هرگونه تبعیض از حیث جنس، عقیده

سیاسی یا دینی و زبانی به رسمیت بشناسند، آموزش و پرورش ابتدا باید اجباری و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد و نیز آموزش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی و به‌ویژه معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل بر اساس استعداد هر فرد در اختیار همگان باشد (International Covenant on Cultural, Economic, Social, 1966, article 13, clause 2). به موجب بند ۳ همان ماده کشورهای طرف این میثاق، متعهد می‌شوند که آزادی والدین را در انتخاب مدرسه برای کودکانشان محترم شمرده و آموزش و پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات شخصی والدین را تأمین گردانند و این کشورها متعهد می‌شوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیت‌های خلاقه را محترم شمارند. به طور کلی از مفاد کامل ماده ۱۳ و ماده ۱۴ میثاق مذکور چنین استنباط می‌شود که آموزش شرط بنیادین برخورداری و درک مراتب حقوق بشر و موجب تقویت این حقوق و اصول اساسی دموکراسی است. به موجب ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز آموزش یک امر واجب تلقی شده است و تسهیل آن از وظایف دولت‌ها به شمار رفته است (Declaration of Islamic Human Rights, 1990, Art 9).

مطابق ماده ۳۰ کنوانسیون حقوق کودک در کشورهایی که اقلیت‌های قومی و مذهبی یا اشخاص بومی زندگی می‌کنند، کودکی که متعلق به این اقلیت‌ها است حق برخورداری از فرهنگ و تعلیم و انجام اعمال مذهبی خود یا زبان خویش را دارد و کشورهای متعاهد موافقت نموده‌اند که آماده نمودن کودک برای داشتن روحیه‌های مملو از صلح و تساوی زن و مرد، گروه‌های قومی، مذهبی و ملی باید جزء آموزش و پرورش کودکان باشد (Convention on the rights of the Child, 1989, Art 30). به این ترتیب، حق آموزش به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری، جایگاه مشخصی در اسناد بین‌المللی دارد؛ با این حال در بستر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، این حق با چالش‌های جدی مواجه می‌شود. حقوق بین‌الملل بشردوستانه با هدف محدودسازی آثار منفی جنگ، به‌طور غیرمستقیم از حق آموزش کودکان حمایت می‌کند. کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، بر لزوم حمایت از کودکان و تضمین دسترسی ایشان به آموزش در شرایط اشغال و درگیری‌های نظامی تأکید دارند (BIICL & Education Above All Foundation, 2020, p. 42).

۳-۲. تحلیل مفهومی حقوق بشردوستانه اسلامی و مخاصمات مسلحانه

حقوق بشردوستانه، بر خلاف حقوق بشر که مجموعه حقوق و امتیازاتی است که افراد انسانی در همه حال اعم از جنگ و صلح از آن برخوردارند، مجموعه قواعد و مقررات حاکم در زمان جنگ است (Kumar, 2009, p. 53). در حقوق بشردوستانه اسلامی که صرفاً در شرایط خاص مخاصمه

قابل اجرا و اعمال است افراد به دو دسته نظامی و غیرنظامی تفکیک می‌شوند و افراد نظامی از جمله اهداف مشروع نظامی تلقی می‌گردند در حالی که افراد غیرنظامی در چتر حمایتی قواعد و مقررات حقوق بشردوستانه هستند (Dawoody, 2015, p32). حقوق بشردوستانه، حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی است (ارادت، ۱۳۸۳، ص ۵۴). این حوزه از حقوق بین‌الملل که برخی آن را تعبير به حقوق پیشگیرانه کرده‌اند مجموعه قواعدی است که شرایط به کارگیری سلاح نظامی را مشخص می‌کنند. هدف آن، وضع قواعدی است که عملیات قهرآمیز مسلحانه باید طبق آن‌ها اداره و هدایت شوند. شناخت نسبت به مفاهیمی نظیر جنگ مسلحانه، ضرورت وجود حقوق جنگ و منابع حقوق منازعات مسلحانه از محورهای اصلی آن‌ها است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۳، ص ۷۵). حقوق بشردوستانه بخشی از موازین حقوقی ناظر بر مخاصمات مسلحانه بوده که در راستای انجام عملیات جنگی و رفتار متخاصمان تحت هنجارهای انسانی شدن اهتمام می‌کند. یکی دیگر از این حوزه‌های مورد توجه حقوق بین‌الملل، حقوق حاکم بر اشغال است که به تعهدات دولت‌ها در زمان اشغال سرزمین‌های دیگر پرداخته است. این حقوق طی دو دهه اخیر تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است. نخستین بار این حقوق در سند لاهه مورد توجه واقع شد. در نظم کنونی این حقوق متشکل از مواد ۵۶-۴۲ مقررات لاهه و کنوانسیون چهارم ژنو می‌باشد که به مناسبات حقوقی اشغالگران با مناطق اشغالی در مخاصمات بین‌المللی پرداخته است (فلک، ۱۳۷۸، ص ۱۳).

حقوق بشردوستانه مجموعه قواعدی است که به دلایل بشردوستانه در جهت تحدید آثار مخاصمات مسلحانه تعبیه شده‌اند. حمایت غیرنظامی و تحدید به کارگیری ابزار و شیوه‌های جنگی از اهداف این قواعد به شمار می‌روند. هدف از حمایت غیرنظامی حمایت از اشخاصی است که در مخاصمات شرکت ندارند. در رهیافت اسلامی، غیرنظامیان نباید مورد تهاجم قرار بگیرند؛ غیرنظامیان اشخاصی هستند که در طول زمان جنگ، در مخاصمه شرکت ندارند. حمایت از غیرنظامیان شامل حمایت از گروه‌های خاصی از اشخاص از جمله مجروحان، غیرنظامیانی چون زنان، کودکان، سالمندان، بیماران و روحانیون است (Vanhullebusch, 2009, p43). حیات و تمامیت جسمی و روحی این اشخاص، شایسته احترام است. نباید گمان برد که امکان بروز جنگ به منزله جنگیدن با هر شیوه و روشی برای نابودی طرف مقابل است. بدیهی است در صورت وقوع جنگ متخاصمین در به کارگیری شیوه‌های جنگی آزاد نیستند و اصولی وجود دارد که صرفاً در زمان جنگ رفتار طرف‌های متخاصم را در ابعاد مختلف تنظیم می‌کند. این اصول و قواعد که حقوق بشردوستانه یا حقوق جنگ لقب گرفته‌اند، دارای اهدافی هستند. حمایت غیرنظامی نیز از جمله مهم‌ترین اهداف تنظیم این قواعد و مقررات در زمان جنگ به شمار می‌رود. زیرا تجربه

جنگ‌ها در طول تاریخ نشان داده که قربانیان اصلی جنگ‌های خانمان‌سوز در ادوار مختلف تاریخی غیرنظامیانی بوده‌اند که در جنگ مشارکت نداشته‌اند. ریشه‌های قواعد و مقررات حقوق جنگ به طور عام و حقوق حمایت از افراد تحت حمایت به طور خاص، به طور کامل در دستورات و تعالیم اسلامی یافت می‌شود و حتی می‌توان ادعا نمود که به رسمیت شناختن این قواعد و مقررات با ظهور تمدن اسلامی آغاز شد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱، ص ۳۹). حقوق بشردوستانه مجموعه قواعد و مقررات حاکم در زمان جنگ است بر خلاف حقوق بشر که مجموعه حقوق و امتیازاتی است که افراد انسانی در همه حال اعم از جنگ و صلح از آن برخوردارند.

در حقیقت، هدف اصلی حمایت غیرنظامی در حقوق بشردوستانه اسلامی، کاهش یا جلوگیری از آثار و پیامدهای زیان‌بار درگیری مسلحانه بر غیرنظامیان است. افرادی که هیچ نقشی در درگیری ندارند در امان باشند و مصونیت داشته باشند.

۴. اصول حاکم بر حق آموزش در مخاصمات مسلحانه

بر اساس کنوانسیون‌ها و معاهدات حقوق بشردوستانه و با تکیه بر ماده‌های قانونی موجود در آن می‌توان اصول مشخصی را به عنوان اصول حاکم بر حق آموزش در مخاصمات مسلحانه مطرح کرد، این اصول عبارتند از: کرامت انسانی، تفکیک، احتیاط، پیشگیری، انصاف، وجدان و فطرت انسانی. این اصول در حقیقت برآمده از روح کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی در حوزه حقوق بشردوستانه است (الحلی، ۱۴۱۹ ق، ص ۶۵۶)، اما این نوع نگاه که بر مبنای حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ در حقوق بشردوستانه اسلامی شکل گرفته است مبتنی بر اصولی است که ضرورت اعمال این نوع حمایت یعنی رعایت حق آموزش را در عمل توجیه می‌کند. در این قسمت به اصول حاکم بر حق آموزش در مخاصمات مسلحانه پرداخته خواهد شد تا مشخص گردد که متعالی‌ترین مبانی در این خصوص در تعابیر اسلامی یافت می‌شود.

اصولی نظیر بشردوستی، تفکیک، صلح و همزیستی به عنوان اصول حاکم بر حق آموزش در مخاصمات مسلحانه از آموزه‌های اسلامی و مقررات حقوق بشردوستانه قابل ذکرند.

۴-۱. اصل بشردوستی

اصل بشردوستی که با اصل کرامت ذاتی انسان‌ها قرین است از جمله مبانی حمایت از غیرنظامیان به طور کلی و رعایت حق آموزش کودکان محسوب می‌گردد. بنابر جهان‌بینی الهی، مبدأ تمام موجودات و از جمله انسان و حقوق ذاتی و فطری وی، خدای متعال است و خداوند نیز به همه انسان‌ها کرامت ذاتی را اعطا کرده است (منتظری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵). تکریم، شایسته انسان بوده

زیرا خالق وی با دمیدن روح خود در آن شایستگی و کرامت ذاتی را به او اعطا فرمود، تمام انسان‌ها از چنین کرامتی به‌طور برابر و ذاتی برخوردارند و در حالت طبیعی در بهره‌مندی از چنین کرامتی برابری و کسی بر دیگری امتیاز و برتری ندارد. بشریت که ممکن است به معنای کل بشر باشد شامل معنای بشردوستی و نوع دوستی نیز می‌باشد. پیوند اسلام با اصل بشردوستی به دوران ظهور آن باز می‌گردد. در اوضاع و احوالی که تاریخ زندگی بشر شاهد غم‌انگیزترین رفتارها در طول نبرد بوده، ظهور اسلام گامی متعالی در جهت بهبود این اوضاع و احوال و تجارب بشریت تلقی شد. در آموزه‌های اسلامی آنچه که موجب رنج بشریت شود مذموم است و حفظ کرامت انسانی برای رسیدن به سعادت و پایان یافتن رنج‌های بشری از جمله اهداف آن می‌باشد. خداوند در قرآن کریم به صراحت انسان را دارای کرامت ذاتی معرفی کرده است (قرشی، ۱۳۸۹، ص ۱۶). اصل بشردوستی از جمله اصول اخلاقی حاکم بر حمایت غیرنظامی تلقی می‌گردد که ضرورت تضمین حق آموزش کودکان را در راستای تحقق شخصیت انسانی متناسب با کرامت ذاتی ایجاد می‌کند و از آنجایی که اسلام بر اخلاق اسلامی مبتنی است بدیهی است که از معیارهای حمایت غیرنظامی فاصله ندارد (ساعد، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳).

۴-۲. اصل تفکیک

اصل تفکیک اهداف نظامی از غیرنظامی یکی از قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه است که در حقوق بشردوستانه اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. این اصل لازمه تحقق حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه تلقی می‌شود (Vanhullebusch, 2015, p72).

اصل تفکیک ناظر بر ضرورت تمایز میان رزمندگان و غیرنظامیان، و نیز اهداف نظامی و غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه است. مطابق ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، طرف‌های مخاصمه «در همه زمان‌ها باید بین جمعیت غیرنظامی و رزمندگان و بین اهداف غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند و عملیات خود را صرفاً علیه اهداف نظامی هدایت کنند» (ICRC, 2020, p 3). اهداف نظامی شامل افرادی است که مستقیم در جنگ شرکت داشته‌اند یا اموالی که ماهیت و هدف آن‌ها نظامی تلقی شده و تخریب آن‌ها یک مزیت جنگی در جهت سرکوب طرف مخاصم خواهد بود (First Additional Protocol, 1977, para 2, Art 52).

به موجب ماده ۵۱ پروتکل الحاقی افراد غیرنظامی نباید مورد حمله قرار گیرند (Shaw malcolm, 2008, p1169). به این ترتیب هر گونه عملیاتی که نتیجه آن کشتار غیرنظامیان و ایجاد رعب و وحشت میان آن‌ها و در نتیجه نقض حق آموزش آنان باشد، ممنوع است (Shaw Malcolm, 2008, p1169). مدارس و اماکن فرهنگی و آموزشی از جمله

اهداف غیرنظامی به شمار می‌آید که در اصل تفکیک باید به آن‌ها توجه داشت تا هدف حملات نظامی قرار نگیرند (First Additional Protocol, 1977, para 2, Art 52). در اسلام مصونیت و حمایت از جمعیت‌های غیرنظامی و اموال ایشان و نیز اماکن غیرنظامی نظیر مدارس از جمله ضروریات رعایت اصل تفکیک است. این اصل باید بدون تبعیض رعایت شود.

۴-۳. اصل صلح و همزیستی

اصل صلح و همزیستی از جمله اصول ناب اسلامی است که می‌تواند به عنوان اصول و مبنای حمایت غیرنظامی تلقی و حقوق آنان از جمله حق آموزش گردد. حقوق اسلامی با رویکرد احترام به انسانیت و تکریم بشریت و دعوت به برادری و با تأکید بر تقوی به عنوان اساس روابط بین‌الملل در زمان جنگ و صلح، اصل حمایت از غیرنظامیان و رعایت حقوق آنان را به معنای عدم تعرض به غیرنظامیان و عدم تخریب اماکن غیرنظامی نظیر مدارس و اماکن آموزشی به رسمیت می‌شناسد. خداوند متعال بر اصول مشترک بین دین اسلام و اصل کتاب اشاره دارد آنجا که می‌فرماید «بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، گرد آییم و آن این که جز خدا را نپرستیم و برای او شریک نیاوریم...» (قرآن کریم، آل عمران، آیه ۶۴). تعبیر برابری انسان‌ها در انسانیت از لوازم این اصل در اسلام می‌باشد آنجا که خداوند می‌فرماید همه انسان‌ها از یک مرد و یک زن آفریده شده‌اند و همه در اصل انسانیت برابر هستند با این بیان که گرامی‌ترین انسان‌ها نزد خداوند فارغ از هر گونه قوم و قبیله و نژاد و جنسیتی پرهیزکارترین آن‌ها هستند (قرآن کریم، حجرات، آیه ۱۳). خداوند متعال همچنین خطاب به مسلمانان می‌فرماید در هنگام مجادله با اهل کتاب به بهترین شیوه و نیکوترین روش اقدام کنند و این که با کسانی که ستم کرده‌اند، مجادله کنند و توصیه شده است تا بر مبنای مشترک از جمله توحید تأکید گردد (قرآن کریم، عنکبوت، آیه ۴۶). حتی قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که از دشنام دادن به کافران و بت‌پرستان پرهیزند تا زمینه دشنام دادن به خدا از طرف آن‌ها فراهم نشود و این گونه خداوند کردار هر گروهی را آراست (قرآن کریم، انعام، آیه ۱۰۸). همچنین بر اصل صلح نیز در قرآن کریم تأکید شده است آنجا که خداوند اجازه تعدی و تعرض به دشمن را در جایی که پیشنهاد صلح داده است، نمی‌دهد. همان‌طور که از آیات فوق‌الذکر و همچنین آیه ۶۱ سوره انفال برمی‌آید، خداوند متعال بر اصالت صلح تأکید داشته و مفسران قرآن نیز منظور آیه فوق و آیات دیگر مربوط به صلح را به معنای اصل بودن صلح در جامعه اسلامی دانسته‌اند (الطباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ۴۸۷).

اصل همزیستی مسالمت‌آمیز نیز یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است که ناظر بر ضرورت احترام متقابل دولت‌ها به حاکمیت یکدیگر، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و

تلاش برای حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات است. این اصل به‌ویژه در دوران جنگ سرد به‌منظور جلوگیری از تشدید تنش‌های جهانی و ترویج صلح جهانی مطرح شد. طبق پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز که در توافق‌نامه چین و هند در سال ۱۹۵۴ مطرح شد، دولت‌ها باید به یکدیگر احترام گذاشته و از رفتارهای خصمانه پرهیز کنند. (Murphy, 2022, p 5) اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در حال حاضر علاوه بر روابط دوجانبه، بر نظم جهانی تأثیر گذاشته و در تلاش برای جلوگیری از جنگ‌های جهانی جدید و تسهیل در حل و فصل مناقشات بین‌المللی است. این اصل نقش کلیدی در پیشگیری از منازعات نظامی و ارتقای ثبات جهانی دارد. (ICRC, 2020, p 32) به این ترتیب، روشن است که صلح و همزیستی اصلی پذیرفته شده در نظام اسلامی و حقوق بین‌الملل است که باید به عنوان مبنا در جنگ لحاظ گردد و به موجب آن از هر طریق و شیوه‌ای در جنگ استفاده نشود و صرفاً اهداف نظامی و نه اهداف غیرنظامی نظیر غیرنظامیان هدف حمله قرار گیرد. این گونه است که اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی لازم می‌کند.

۴-۴. رشد و تعالی شخصیت انسان

فلسفه آموزش و پرورش را تواناسازی افراد برای انجام شغل، زیستن و با دیگران زیستن دانسته‌اند (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۴۲). انسان برای تأمین نیازهای مادی و اطمینان از جایگاه اجتماعی و احترام و خودیابی خود به صورت جامع و متعادل و یافتن آرامش و آسایش لازم در مسیر رشد و تکامل خود نیاز به داشتن دانش لازم برای شناخت درست و کامل این نیازها و چگونگی تأمین آن‌ها دارد (عباس‌زادگان، ۱۳۷۳، ص ۱۰۸). دستیابی انسان به دانش و مهارت لازم برای انجام شغل، ابتدایی‌ترین و در عین حال ساده‌ترین تلاشی است که باید انجام دهد تا بتواند با انجام شغل و کسب درآمد لازم، حداقل نیازهای خود را که نیاز مادی است برآورده سازد (سعادت، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰). فلسفه آموزش و پرورش در قرن نوزدهم و در دوره انقلاب صنعتی در اروپا، آموزش شغل بود (کوهستانی، ۱۳۷۹، ص ۳۵). دانش و مهارت نسبت به دانش و مهارت انجام یک شغل، اولویت دارد و از ضرورت و اهمیت بیشتری برخوردار است با کامل‌تر شدن شناخت نسبت به انسان و مفروض دانستن هویت فردی و هویت جمعی او، فلسفه آموزش و پرورش به صورت کامل‌تر مطرح شده و آن را آموزش با دیگران زیستن می‌دانند. بدیهی است «با دیگران زیستن» و «با خود زیستن» و «با شغل زیستن» را نیز دارد. آن‌گاه این فلسفه، توسط نظام آموزش و پرورش، قابل تحقق است که در این نظام، انسان موضوع آموزش و پرورش به‌درستی شناخته شده باشد (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۷۱).

۵. اختلافات منجر به درگیری میان گروه‌های فلسطینی و اسرائیل و تأثیر آن بر حق بر آموزش

درگیری‌های شدید میان نیروهای نظامی حماس و ارتش اسرائیل ناشی از اختلافات دیرینه‌ای بوده که با آغاز دوره کشمکش‌های جدید در سال ۲۰۲۳، موضوع تنش‌های بیش از نیم قرن اخیر میان فلسطینیان و اسرائیل را با مسائل مرتبط با کنشگری سازمان ملل متحد در برابر چنین منازعاتی روبه‌رو ساخت. براساس گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی از آغاز درگیری‌ها در اکتبر ۲۰۲۳ بیش از ۱۴،۵۰۰ کودک فلسطینی جان خود را از دست داده‌اند و هزاران نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند. این وضعیت سبب ایجاد بحران‌های روانی شدید میان کودکان شده است که تأثیرات منفی بلندمدتی بر روند رشد و تحصیل آن‌ها دارد (Save the Children, 2024, p 2). این موضوعات در تقسیم‌بندی موضوعی، موارد مربوط به موازین حقوق بشردوستانه نظیر حقوق سرزمین اشغالی و غیرنظامیان به طور عام و کودکان به طور خاص گرفتار در صحنه نبرد از یک سو و مسائل حقوق بین‌الملل بشری از جمله حق آموزش را از سویی دیگر شامل می‌شود. مطابق با شرایط مطرح شده، ضرورت پرداختن به تضمین تعهدات دولت‌ها در حوزه حقوق بشردوستانه با تصویب کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو سال ۱۹۴۹ که جامعه بین‌المللی را متعهد به ترغیب و ترویج و جلوگیری از نقض این موازین نموده است، ایجاب می‌کند. پس از آن تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر از اقداماتی است که در راستای تحکیم نظام حقوق بشر به عنوان ویژگی‌های جهانی نظم سیاسی پس از برگزاری دادگاه جنایتکاران جنگی در جنگ جهانی دوم صورت گرفته است. از چنین دیدگاهی اقدام معطوف به مسئولیت سازمان ملل متحد دور از انتظار نیست برای این که بتواند به پشتوانه قابلیت‌های کنونی نظام حقوق بین‌الملل، در راستای صیانت از صلح و پاسداری از امنیت جهانی، خشونت را از سیمای حیات انسانی بزداید.

توجه به قباح اخلاقی جنایات اسرائیل و مداخله علیه آن به چنان مسئله جدی جهانی تبدیل شد که نیاز به رویکردی اساساً جدید نه تنها در زمان صلح بلکه در هنگام درگیری‌های مسلحانه نیز اقتضاء داشت زیرا تعلیق برخی از حقوق بشری نظیر حق آموزش نباید برای مدت طولانی غیرقابل اعمال گردد. این در حالی است که مخاصمات طولانی میان اسرائیل و فلسطین اعمال حق بشری آموزش کودکان فلسطینی را در زمان مخاصمات مسلحانه با مانع جدی مواجه کرده است به گونه‌ای که عملاً امکان اعمال آن با توجه به شرایط کنونی جنایات اسرائیل علیه سرزمین‌های مختلف فلسطین عقیم مانده است.

کنوانسیون چهارم ژنو یکی از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است که به حمایت از غیرنظامیان اختصاص دارد این کنوانسیون که مصوب ۱۹۴۹ است از چنان جایگاهی برخوردار است که دیگر

معیار الزام و ضرورت رعایت و عدم رعایت محتوای آن، عضویت یا عدم عضویت دولت‌ها در آن نیست. مفاد این کنوانسیون در زمان جنگ اعلان شده، در مخاصمه مسلحانه که رسماً جنگ اعلام نشده و در زمان اشغال نظامی سرزمین کشور دیگر، لازم به رعایت است (Fourth Genva Convention, 1949, Art 2). آموزشی نقض آشکار حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. بر اساس کنوانسیون چهارم ژنو، حملات به مدارس و تأسیسات آموزشی ممنوع است و چنین اقداماتی می‌تواند به عنوان جنایت جنگی تلقی شود (Defense for Children Palestine, 2024, p 4).

بر اساس مقررات این کنوانسیون کودکان به‌ویژه کودکان کمتر از ۱۵ سال تحت حمایت ویژه قرار دارند کودکانی که در جنگ یتیم یا از خانواده خود جدا شده‌اند نباید به حال خود رها شوند و باید نگاهداری و اجرای مذهب و آموزش آنان تسهیل شود و باید آموزش آنان به اشخاصی سپرده شود که دارای آیین آموزش واحد باشند. به این ترتیب، دولت اشغالگر باید حقوق کودکان از جمله حق آموزش آنان را تضمین و تسهیل کند (Fourth Geneva Convention, 1949, Art 29). این در حالی است که رژیم اشغالگر اسرائیل که کنترل مؤثری بر سرزمین‌های فلسطینی دارد مانع از اعمال و اجرای حق آموزش کودکان شده است. انتقال اجباری دسته‌جمعی یا انفرادی اشخاص مورد حمایت از سرزمین‌های اشغالی به خاک دولت اشغال‌کننده یا به خاک هر دولت دیگری به هر علتی طبق مفاد کنوانسیون چهارم ژنو ممنوع است. این در حالی است که رژیم اشغالگر اسرائیل بدون دلیل موجه افراد غیرنظامی فلسطینی را مجبور به کوچ اجباری نموده و با جدایی کودکان از خانواده‌های خود نه تنها لطامات روحی و عاطفی بر آنان وارد بلکه آنان را از حق بشری آموزش محروم نموده است (Four Geneva Convention, 1949, Art 49).

در شرایط استثنایی که امکان انتقال اشخاص از سرزمین‌های اشغالی وجود دارد، دولت اشغال‌کننده هنگام انتقالات یا تخلیه‌های مذکور باید به ترتیبی اقدام کند که اشخاص مورد حمایت تا حد امکان در مؤسسات مناسب پذیرفته شوند و شرایط مساعد آن‌ها از حیث سلامت، بهداشت، امنیت، تغذیه و آموزش رضایت‌بخش باشد و اعضای یک خانواده از یکدیگر جدا نباشند این در حالی است که رژیم اشغالگر صهیونیست هیچ کدام از موارد را نسبت به غیرنظامیان فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی رعایت نکرده است (Four Geneva Convention, 1949, Art 49). حق آموزش و پرورش در زمره حقوقی به شمار می‌رود که دارای دو جنبه فردی و اجتماعی

۱. به موجب ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو انتقال اجباری دسته‌جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال شده به خاک دولت اشغال‌کننده یا به خاک هر دولت دیگری اعم از این که اشغال شده یا نشده باشد به هر علتی ممنوع است.

می‌باشد، اما به دلیل غلبه جنبه اجتماعی‌اش، تأمین آن به عهده دولت گذاشته می‌شود (علم الهدی، ۱۳۹۱، ص ۵۵۹). می‌توان اذعان داشت که با بمباران هوایی مدارس بخش‌های مختلف سرزمین فلسطین، حق برخورداری از آموزش کودکان به سبب تخریب مدارس نقض شده است. برای اینکه کودکان بتوانند شخصیت، استعداد و توانایی‌های فکری و جسمی خود را پرورش دهند، باید از حق آموزش برخوردار باشند. این حق شامل آموزش ابتدایی رایگان و اجباری و ایجاد فرصت‌های آموزشی مناسب بدون توجه به جنسیت و توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای افزایش توانایی‌های کودکان است. آنچه موجب اختلال در برخورداری کودکان از این حق می‌شود، بروز موقعیت‌های اضطراری است (مصفا، ۱۳۹۱، ص ۸۸). در زمان صلح این موقعیت اضطراری، قرار گرفتن کودک در شرایط نامتعادل اقتصادی و فقر خانوادگی و اجتماعی است که نتیجه چنین وضعیتی سوق دادن کودک به سوی اشتغال است، لیکن در دوره جنگ، ویرانی و تخریب مدارس، تعطیلی مراکز آموزشی، مرگ و مصدومیت دانش‌آموزان و معلمان و آوارگی دانش‌آموزان و... سبب می‌شود که حق برخورداری کودک از آموزش به شدت به مخاطره بیفتد.

۶. چالش‌های نظام آموزشی سرزمین‌های فلسطینی و ماهیت تعهد اسرائیل در خصوص حق آموزش

مخاصمات مسلحانه ناگزیر نظام آموزشی منطقه درگیر جنگ را با مخاطره مواجه می‌کند. نظام آموزشی مناطق فلسطین در نتیجه حملات رژیم صهیونیستی و همچنین در نتیجه سایه حضور مستقیم یا غیرمستقیم در این مناطق همواره با مخاطراتی مواجه بوده است. به‌ویژه از سال ۱۹۶۷ به بعد اسرائیل در جهت تحمیل شیوه‌های آموزشی خود بر نظام آموزشی فلسطینیان به‌ویژه از طریق صدور قانون الحاق قدس شرقی به غربی تلاش کرده است. اگرچه این امر با اعتراض ساکنان بیت‌المقدس مواجه شده و خانواده‌های ساکن، کودکان خود را از مدارس دولتی خارج نموده و در مدارس خصوصی وابسته به دایره اوقاف اسلامی ثبت‌نام کردند، اما دخالت رژیم صهیونیستی در محتوای درسی نظام آموزشی کودکان فلسطینی مشهود است آنجا که بر محتوای کتب درسی نظارت داشته و محتوای مربوط به آغاز نزاع رژیم صهیونیستی و فلسطین و همین‌طور جغرافیای خاورمیانه را به روایت خود به تصویر می‌کشد. در این میان کودکان فلسطینی در بازه‌های زمانی مختلف از گذشته در قالب صدور دستورهای نظامی و امروز با بمباران مدارس از حق بر آموزش به عنوان بدیهی‌ترین حق بشری محروم شده‌اند. برای نمونه به موجب دستور نظامی ۳۷۸ در سال ۱۹۷۰، مدارس برای چند ماه متوالی بسته شد یا به موجب دستور نظامی ۵۳۸ در سال ۱۹۷۶ شرایط ثبت نام در مدارس از طرق مختلف نظیر افزایش شهریه و موارد دیگر دشوار شد. همچنین در

دستور نظامی ۸۵۴ در سال ۱۹۸۰ در مسائل آموزشی مداخله کرد و حق آموزش اجباری و رایگان را لغو کرد. در کنار این مشکلات در بخشی از مناطق اشغالی آموزش زبان عبری و آموزش تعلیمات مدنی اسرائیل اجباری شد که از آن طریق سیاست‌های نژادپرستانه صهیونیستی با حذف مفاهیم اسلامی نمود بیشتری در آموزش یافت. اگرچه در نتیجه موافقتنامه اسلو در سال ۱۹۹۴ اختیارات اداره برخی از مناطق فلسطینی به تشکیلات خودگردان فلسطین واگذار شد، اما نظارت رژیم اسرائیل مانع از آن شد که فلسطینی‌ها از اختیارات و صلاحیت‌های کامل بر نظام آموزشی برخوردار باشند. به این ترتیب رژیم اسرائیل به طور مستقیم و غیرمستقیم بر نظام آموزشی مناطق فلسطینی نفوذ داشته است. نفوذ مستقیم به این معنا که برخی از مدارس از طریق پیمانکارانی اداره می‌شوند که تحت نظارت مستقیم صهیونیست‌ها می‌باشند. نفوذ غیرمستقیم به این معنا که برخی از مدارس خصوصی موانع اداری زیادی پیش‌رو دارند و در نهایت از شهرداری صهیونیست‌ها بودجه دریافت می‌کنند که همین امر زمینه دخالت و نفوذ صهیونیست‌ها بر شرایط ثبت‌نام و محتوای درسی را فراهم می‌کند. به این ترتیب، نظام آموزشی مناطق فلسطینی حتی در مناطقی که اداره آن به تشکیلات خودگردان فلسطین واگذار شده است از استقلال برخوردار نمی‌باشد. سیاست‌های اسرائیل در خصوص محدودیت‌های جابه‌جایی در کرانه باختری و غزه، سبب شده است که کودکان فلسطینی نتوانند به راحتی به مدارس دسترسی پیدا کنند. طبق گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری، بسیاری از دانش‌آموزان فلسطینی مجبورند برای رسیدن به مدرسه از مسیرهای طولانی و خطرناک عبور کنند و در برخی موارد، این کودکان به دلیل محدودیت‌های نظامی، به مدارس خود دسترسی ندارند (UNICEF, 2023, p 5). کمبود فضای آموزشی، نیروی کارشناس نیز از جمله دیگر مشکلات نظام آموزشی در مناطق فلسطینی از گذشته تا امروز می‌باشد. مشکلات ساختاری نظام آموزشی مناطق فلسطینی امروزه تحت تأثیر مخاصمات مسلحانه قرار گرفته است به این ترتیب امروزه صحبت از بمباران و تخریب مدارس از سوی رژیم اسرائیل در حملات و جنایات اخیر است (walid, 2024, p 5). غالباً نویسندگان حقوق بشر بین دو گونه تعهد، تمایز قائل می‌شوند: تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه. منظور از تعهد به وسیله، آن است که متعهد در حد امکانات موجود و در حقیقت در حد توان متعهد به تدارک حق ذی حق خواهد بود، اما در تعهد به نتیجه، مکلف به تدارک حق ذی حق خواهد بود (قاری سیدفاطمی، دفتریکم، ۱۳۸۸، ص ۴۲). همچنین باید تفکیک بین تعهد به نتیجه و حق‌های مطلق را نیز در نظر داشت. زیرا در تعهد به نتیجه سخن از مطلق بودن در مقایسه با امکانات موجود است، در حالی که مفهوم حق‌های مطلق ناظر به عدم تقیید و نامحدود بودن آن‌ها در مقایسه با دیگر ارزش‌های اخلاقی یا دیگر حق‌ها است. با این وصف تعهد به وسیله عمدتاً در حوزه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و در تعهد نسبت

به حقوق مدنی و سیاسی از نوع تعهد به نتیجه محسوب می‌شود. همان‌طور که بیان شد نظر غالب در ماهیت حق بر آموزش همان ماهیت مثبت بودن این حق بشری می‌باشد بنابراین حداقل‌های آموزشی مطالبه‌ای است که نیازمند تعهد به نتیجه و فوری دولت‌ها می‌باشد. یعنی ماهیت این تعهد، تعهد به نتیجه فوری است. البته متعهد فقط دولت متبوع فرد نیست بلکه جامعه جهانی نیز در مقابل آن‌ها متعهد می‌باشد و این به خاطر جهان‌شمول بودن حقوق بشر می‌باشد. زیرا در برخی از مواقع کشور متبوع فرد در فقر به سر می‌برد و از نظر اقتصادی در وضعیت نامساعدی به سر می‌برد. البته از حداقل‌های آموزشی بالاتر، تعهد دولت‌ها، تعهد به وسیله می‌باشد. زیرا حق آموزش مانند سایر حق‌های نسل دوم هزینه آفرین است و باید دولت توانایی لازم را در این زمینه داشته باشد (قاری سیدفاطمی، دفتر یکم، ۱۳۸۸، ص ۴۳). بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک، اسرائیل موظف است تا دسترسی به آموزش را برای کودکان فلسطینی فراهم کند. با این حال، اقدامات نظامی اسرائیل که منجر به تعطیلی مدارس، حملات به زیرساخت‌ها و ایجاد مشکلات روانی برای دانش‌آموزان شده است، نقض این تعهدات بین‌المللی تلقی می‌شود (Al-Haq, 2024, p 3). حملات هوایی اسرائیل به مدارس فلسطینی، تخریب آن‌ها و ایجاد موانع برای دسترسی به آموزش از جمله نقض‌های جدی تعهدات این کشور در برابر قوانین بین‌المللی است (ICRC, 2024, p 7). در جهت حفظ کرامت ذاتی انسان و با توجه به اهداف مهم حقوق بشر، حق آموزش توسط دولت‌های عضو یا دولت‌های اشغالگر که اسرائیل نیز دولت اشغالگر محسوب می‌شود، بدین معنا است که این حق باید در زمره اولویت‌های حقوقی و سیاسی قرار داده شود و باید راهبردهای کلی را برای تحقق کامل حق بر آموزش توسعه‌دهند و منبع مالی کافی را در سطح ملی تخصیص دهند. این تعهدات همچنین به عنوان تعهدات عام لازم برای تضمین این حق باید در زمان مخاصمات مسلحانه نیز تضمین و رعایت گردد.

۷. اقدامات شورای امنیت در خصوص حق آموزش کودکان در زمان مخاصمه

شورای امنیت سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۹ با صدور چندین قطعنامه به وضعیت کودکان در مخاصمات مسلحانه پرداخته و بر اهمیت حمایت ویژه از کودکان در مخاصمات مسلحانه جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تأکید نموده است. طی ۲۵ سال اخیر که شورای امنیت حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه را در دستور کار خود قرار داده است، درگیری‌های پیچیده و طولانی در سراسر جهان منجر به نقض تعداد فزاینده‌ای از حقوق کودکان شده است. با تشدید حملات ویرانگر به مدارس و غیرنظامیان مرتبط در سراسر جهان به‌ویژه از طرف رژیم صهیونیست، موضوع آموزش در شرایط جنگی در شورای امنیت و سازمان ملل به طور گسترده‌تری در سال‌های

اخیر اهمیت پیدا کرده است. بر اساس داده‌های سازمان ملل، وقوع حملات به مدارس و زیرساخت‌های آن در سراسر جهان افزایش متاثر کننده‌ای داشته است؛ به گونه‌ای که بیش از ۱۱۰۰۰ حمله بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ نزدیک به ۲۲۰۰۰ دانش آموز و معلم را در ۹۳ کشور تحت تأثیر قرار داده و بیش از ۷۵ میلیون کودک در سرتاسر جهان شاهد مختل شدن تحصیلاتشان به دلیل وضعیت مخاصمات بوده‌اند (UN Documents for Children and Armed Conflict, 2021, para 7).

درخواست دبیرکل برای آتش بس جهانی مورد توجه دولت‌های در حال مخاصمه قرار نگرفت و کودکان گرفتار مخاصمات، هزینه زیادی پرداخت کردند. بنابر تخمین سازمان ملل در طول پنج سال گذشته به طور متوسط حداقل ۷۰ کودک در روز با نقض شدید حقوق مواجه شده و هزاران کودک کشته، معلول، به سربازی گرفته شده یا قربانی آزار جنسی و استثمار قرار گرفته‌اند (security council resolution, 2021, no 14562, para 2).

سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۲۰ ضمن نام‌گذاری ۹ سپتامبر به عنوان روز جهانی حفاظت از آموزش در برابر حمله، پیام روشنی در رابطه با اهمیت حمایت از مدارس به عنوان مکانی امن برای دانش‌آموزان و مربیان و لزوم حفظ آموزش در آن‌ها ارسال نمود و در سال ۲۰۲۱، با تصویب قطعنامه ۲۶۰۱ در راستای حمایت از حق کودکان بر آموزش، خصوصاً در شرایط مخاصمات مسلحانه، گام جدیدی برداشت. با وجود این که شورای امنیت در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های پیشین خود ضمن تأکید بر اهمیت تداوم و حمایت از حق آموزش در شرایط مخاصمه، به محکومیت حمله به مدارس پرداخته بود، قطعنامه مزبور اولین قطعنامه شورا است که به صراحت بر پیوند میان آموزش و صلح و امنیت بین‌المللی تمرکز کرده است. گفتنی است که در این قطعنامه به جنایات اسرائیل علیه فلسطین که مانع از تحقق حق آموزش کودکان در زمان مخاصمه است، اشاره نشده است و این امر حکایت از موضع انفعالی و سلیقه‌ای شورای امنیت دارد که قابل انتقاد است. این در حالی است که در حملات چنایتکارانه رژیم صهیونیست اسرائیل روزانه کودکان بیشماری هدف حملات قرار می‌گیرند و نه تنها از حق آموزش بلکه از حق حیات نیز محروم می‌شوند (Security Council resolution, 2021, No2601).

قطعنامه‌های پیشین شورا در مورد کودکان و مخاصمات مسلحانه، به تهدیدهای علیه آموزش و پرورش پرداخته بودند برای نمونه قطعنامه ۱۹۹۸ مصوب سال ۲۰۱۱، شورای امنیت حمله به مدارس را به عنوان نوعی نقض فاحش حقوق کودکان تلقی کرد که می‌تواند موجب قرار گرفتن دولت متخلف در لیست ضمیمه گزارش سالانه دبیرکل در رابطه با کودکان و مخاصمات مسلحانه گردد. گزارش سالانه دبیرکل به شورای امنیت و مجمع عمومی مطابق قطعنامه ۱۶۱۲ سال ۲۰۰۵،

شامل اطلاعاتی در مورد تأثیر مخاصمات مسلحانه بر کودکان بوده که به طرف‌های مخاصمه منتسب شده و ضمیمه آن فهرستی از دولت‌هایی است که در نقض حقوق کودکان از جمله به کارگیری کودکان، کشتن و معلول کردن آن‌ها، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، حمله به مدارس، بیمارستان‌ها و افراد تحت حمایت در ارتباط با آن‌ها، ربودن کودکان و سایر تخلفات فاحش نقش داشته‌اند. برای نمونه، در گزارش سال ۲۰۲۱ دبیر کل به شورای امنیت در خصوص حمایت از حقوق کودکان در مخاصمات مسلحانه، تعداد ۳۰۶۱ تخلف شدید علیه ۲۸۶۳ کودک (۲۰۲۰ پسر، ۸۴۰ دختر، ۳ کودک با جنسیت نامعلوم) در افغانستان تأیید شده و اعمال متخلفانه با استناد به آمار دقیق تفکیک شده است؛ این آمار در خصوص دولت‌هایی که هر ساله حقوق کودکان را در مخاصمات نقض می‌کنند در گزارش‌های سالانه به همین ترتیب قرار دارد و سازمان ملل با هدف ارتقاء مسئولیت‌پذیری و حمایت از حقوق کودکان در فرآیندهای صلح ضمن بررسی الگوی تخلفات صورت گرفته، با دولت‌ها تعامل کرده تا تغییرات لازم در کنش آن‌ها ایجاد شود. این در حالی است که حملات گسترده اسرائیل علیه غیرنظامیان فلسطینی از جمله کودکان سبب نشده است که شورای امنیت در قطعنامه‌های مرتبط با لزوم رعایت و تضمین حق آموزش کودکان در زمان مخاصمه، اسرائیل را نیز ملزم به رعایت قطعنامه‌های موجود شورای امنیت در این خصوص می‌کند (security council resolution, 2011, no 1998).

چندین عنصر در قطعنامه ۲۶۰۱ شورای امنیت حائز اهمیت است که در قطعنامه‌های پیش از آن مورد اشاره قرار نگرفته بودند. در این قطعنامه، شورا، کشورهای عضو را مورد خطاب قرار می‌دهد تا دسترسی به آموزش را برای کودکان دارای معلولیت، که تحت تأثیر مخاصمات مسلحانه قرار گرفته، کودکان پناهنده و آواره را تسهیل کنند. علاوه بر این، قطعنامه بر اثرات مضر شرایط اضطراری بشردوستانه و جابه‌جایی‌های ناشی از مخاصمات که بر سلامت و رفاه روانی کودکان تأثیرات مخربی دارد، تأکید می‌کند و در همین راستا، از دولت‌های عضو خواستار ارائه خدمات روانی- اجتماعی و کمک‌های بشردوستانه می‌شود. شورا با تصویب قطعنامه ۲۶۰۱ به اتفاق آرا از کشورهای عضو خواستار تحکیم چارچوب‌های حقوق داخلی به منظور حصول اطمینان از احترام به تعهدات حقوقی بین‌المللی شده که شامل تدابیر جامع با هدف جلوگیری از وقوع حمله و تضمین حفاظت از مدارس، کودکان، معلمان و سایر غیرنظامیان مرتبط در طول وقوع مخاصمات مسلحانه و در مراحل پس از جنگ است (Security council Resolution, 2021, No2601). در کنار اقدامات شورای امنیت دیگر نهادهای بین‌المللی نیز در خصوص نقض حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه واکنش نشان داده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل در گزارش خود در سال ۲۰۲۵ نیز با تحلیل موارد متعدد از

کشورهای درگیر جنگ، تأکید می‌کند که نابودی زیرساخت‌های آموزشی و بی‌ثباتی، عملاً موجب انکار ساختاری حق آموزش شده و این امر می‌تواند زمینه‌ساز مسئولیت بین‌المللی دولت‌های متخلف باشد (Amnesty International, 2025, p16).

با توجه به این که صدور قطعنامه‌های مذکور عام بوده مشمول مخاصمه اسرائیل علیه فلسطین نیز خواهد شد، اعمال جنایتکارانه اسرائیل نسبت به اماکن و افراد غیرنظامی فلسطین حکایت از نقض تمام مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت در حوزه ضرورت تضمین حق آموزش کودکان در زمان مخاصمه را دارد. این در حالی است که اسرائیل نه تنها مانع از کمک‌های بشردوستانه شده است بلکه با قلع و قمع کودکان آنان را از حق زیستن محروم نموده است و به طریق اولی حق آموزش آنان که از هستی ساقط شده‌اند نیز نادیده انگاشته شده است. نمایندگان دولت‌ها در شورای امنیت اذعان نمودند که کودکان در مناطقی مانند سوریه، یمن، افغانستان و اسرائیل در حالی بزرگ می‌شوند که چیزی جز جنگ نمی‌دانند و نمی‌بینند و دختران، به‌خصوص، به طور نامتناسبی آسیب دیده‌اند و از این روی بر اهمیت آموزش، مسئولیت‌پذیری و حمایت تأکید نمودند. تعدادی از اعضا ضمن پرداختن به اهمیت توجه به این موضوع در دستور کار شورا، خواستار گنجاندن مستمر مقررات حمایت از کودکان در دستور عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد و مأموریت‌های سیاسی ویژه و افزایش حمایت‌های سیاسی و مالی در راستای مکانیسم نظارت و گزارشگری سازمان ملل در خصوص کودکان در مخاصمات مسلحانه شدند. قطعنامه ۲۶۰۱ بر نقش ارزشمند آموزش برای افراد و جامعه، خصوصاً به عنوان فضایی امن و نجات‌بخش، تأکید نموده و ارائه، حفاظت و تسهیل ادامه آموزش در مخاصمات مسلحانه را اولویت اصلی جامعه بین‌المللی تلقی نموده است. شورای امنیت، از رهگذر تصویب قطعنامه ۲۶۰۱ به اتفاق آرا، گامی مؤثر و پر اهمیت در شناسایی نقش اساسی آموزش به عنوان چشم‌اندازی به منظور دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی، برداشته است. با وجود این، امکان سنجش میزان تأثیرات مثبت این قطعنامه بر کنش دولت‌ها در عرصه عمل هنوز ممکن نیست (security council resolution, 2021, no 14562).

اگرچه صدور قطعنامه‌های متعدد از سوی شورای امنیت در حوزه حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه گامی مؤثر در جهت ضرورت رعایت این حق می‌باشد، اما این شورا به رغم این که اختیارات وسیعی طبق منشور ملل متحد دارد با عدم تضمین اجرای مفاد قطعنامه‌های صادره به‌ویژه در دوران اخیر حملات نظامی و بی‌سابقه رژیم صهیونیستی علیه غیرنظامیان فلسطینی، رویکرد منفعل و سلیقه‌ای را اتخاذ کرده است. این در حالی است که اسرائیل نه تنها حق آموزش کودکان فلسطینی را نقض کرده است بلکه مرتکب جنایات علیه بشریت شده است.

۸. نتیجه‌گیری

بدون شک، یکی از ضرورت‌هایی که در خصوص رعایت حقوق کودک مطرح می‌شود، ضرورت مصون ماندن کودکان از خطرات و بلایای جنگ است. یکی از مهم‌ترین حق‌ها برای حفظ کرامت ذاتی کودکان حق آموزش است. حق آموزش برای برآورده شدن نیازهای کودکان یک ضرورت بنیادین است. این حق به عنوان یک حق بشری مؤید این امر است که همه افراد، کودکان و بزرگسالان حق دارند از آموزشی بهره‌مند شوند که برای توانمندسازی آنان در جهت رشد و توسعه علمی، فرهنگی، اجتماعی و انسانی آن‌ها طراحی شده باشد. این نوع از آموزش، توانمندی‌های لازم را برای شرکت فعال فرد در زندگی برآورده می‌کند و زمینه‌ای برای تقویت حقوق بشر، احترام به عقاید مخالف و گسترش اجتماعی صلح و توسعه پایدار فراهم می‌کند. جنگ رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه و فلسطین، هزاران کودک را مجبور کرده تا سال تحصیلی را از دست داده و تحصیل را ترک کنند. حمایت خاص از کودکان فلسطینی بر اساس مقررات حقوق بشردوستانه مستلزم رعایت حق آموزش کودکان فلسطینی توسط اسرائیل در طول مخاصمه است و این حق نباید به دلیل وجود مخاصمه نادیده انگاشته شود.

حق آموزش، شامل جنبه‌های مختلف آزادی آموزش و آزادی دانشگاهی می‌شود. حق آموزش یک حق فرهنگی و زمینه‌ساز و پیش‌شرط اجرای سایر حق‌های بشری است. بهره‌مندی از بسیاری از حقوق مدنی و سیاسی، همانند آزادی اطلاعات، بیان، مجمع و انجمن حق بر رأی و حق بر انتخاب شدن یا حق بر دسترسی برابر به خدمات عمومی وابسته به یک سطح حداقلی از آموزش شامل خواندن و نوشتن است. همچنین بسیاری از حقوق اقتصادی و اجتماعی همانند حق بر انتخاب کار، حق بر دریافت مزد برابر برای کار برابر، حق به تشکیل اتحادیه تجاری، حق بر دریافت آموزش در سطوح بالاتر بر مبنای ظرفیت، می‌تواند در لوای یک سطح حداقلی آموزش حاصل گردد.

اگر چه به لحاظ تاریخی و مکانی جنایت بمباران مدارس مختلف فلسطین بارها و در شهرهای مختلف به وقوع پیوست، اما این عمل مخالف موازین حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و حقوق کودک است. جنایات اسرائیل علیه کودکان فلسطینی و محروم کردن آنان از حق طبیعی که همانا آموزش است باید با واکنش مؤثر مراجع بین‌المللی نظیر شورای امنیت مواجه شود. این در حالی است که شورای امنیت با رویکرد سلیقه‌ای، واکنشی منفعل و غیرفعال در قبال جنایات اسرائیل علیه فلسطین اتخاذ کرده است. اسرائیل طی حملاتی با بمباران‌های هوایی خود، مدارس شهرهای مختلف را هدف قرار داده و صدها تن از کودکان دانش‌آموز را شهید یا دچار معلولیت‌های جسمی کرده است. به این ترتیب، با بمباران هوایی مدارس حق برخورداری کودکان

از آموزش به سبب تخریب مدارس نقض شده است که سبب ظهور آثار و پیامدهای منفی نظیر گسست خانواده و جدا شدن کودک از محیط خانوادگی و آوارگی و بی‌خانمانی نیز شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه امری بدیهی و اجتناب‌ناپذیر و همچنین از جمله قواعد آمره در دستورات جهادی اسلام محسوب می‌شود، به همین جهت است که شارع مقدس در راستای حمایت از کودکان همچنین زنان در مخاصمات مسلحانه، مصونیتی خاص برای آن‌ها قائل شده است و آنان را مصون از تعرض می‌داند. قوانین اسلام حکایت از آن دارد که حتی در مخاصمات مسلحانه صیانت از حقوق کودکان الزام‌آور و در زمره قواعد آمره حقوق بشردوستانه محسوب می‌شود. همان‌گونه که کودک در زمان صلح نیاز به امتیازات ویژه‌ای جهت رشد شخصیت و رفاه فردی و اجتماعی خود دارد، در زمان بحران نیز نیاز دارد که مورد حمایت قرار گیرد. از طرف دیگر در جهان معاصر نیز به لحاظ قانونی شورای امنیت، از رهگذر تصویب قطعنامه ۲۶۰۱ به اتفاق آراء، تحقق حق آموزش را به تأمین صلح و امنیت بین‌المللی پیوند داده است. این قطعنامه و قطعنامه‌های مرتبط دیگر عام بوده و مشمول مخاصمه اسرائیل علیه فلسطین نیز خواهد شد و اعمال جنایت‌کارانه اسرائیل نسبت به اماکن و افراد غیرنظامی فلسطین حکایت از نقض تمام مفاد قطعنامه‌های شورای امنیت در حوزه ضرورت تضمین حق آموزش کودکان در زمان مخاصمه را دارد. این درحالی است که اسرائیل نه تنها مانع از کمک‌های بشردوستانه شده است بلکه با قلع و قمع کودکان آنان را از حق زیستن محروم نموده است و به طریق اولی حق آموزش آنان که از هستی ساقط شده‌اند نیز نادیده انگاشته شده است.

کتابنامه

- ارادت، سعید، (۱۳۸۸)، همگرایی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه: نظریه وحدت یا تفکیک حقوق، نشر اطلاعات حقوق، شماره ۹، صص ۵۰ الی ۵۶.
- بیانیه‌های خبری کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، (۱۳۸۹/۰۸/۲۴)، گزارش خبری از نشست چهارم «بررسی نقش و کارایی تعلیم و تربیت انسان در نظریه اسلامی حقوق بشر».
- جغتایی، محمدتقی، همتی، فریده، (۱۳۸۰)، سیاست اجتماعی، چاپ اول، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
- الحلی، حسن بن یوسف المطهر (العلامة الحلی)، (۱۴۱۹ق)، کتاب الفقاهه، قم: مؤسسه آل البیت للتراث، ج ۹.
- راسخ، محمد، حق و مصلحت، (۱۳۸۷)، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، تهران: انتشارات طرح نو.

ساعده، نادر، (۱۳۹۲)، حقوق بشردوستانه و مسائل نوظهور (جنگ های پست مدرن)، تهران: خرسندی.

سعادت، اسفندیار، (۱۳۷۷)، مدیریت منابع انسانی، تهران: انتشارات سمت.

ضیایی، بیگدلی، (۱۳۹۱)، اسلام و حقوق بین الملل، تهران: گنج دانش.

طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۲ قمری)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت، ج ۱

عباسزادگان، سید محمد، (۱۳۷۳)، مکاتب و مبانی مدیریت، تهران: شرکت انتشار.

عسگری، پوریا، وکیل، امیر ساعده، (۱۳۸۱)، قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات مجد.

علم الهدی، جمیله، (۱۳۹۱)، نظریه اسلامی تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.

قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر (جستارهایی تحلیلی از حق ها و آزادی ها)، دفتر دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر.

قاری سید فاطمی، سید محمد، (۱۳۸۸)، حقوق بشر در جهان معاصر (درامدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و مبانی)، دفتر یکم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.

قرشی، باقر، (۱۳۸۸)، اسلام و حقوق بشر، (محمد ترقی صابری، مترجم)، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.

کوهستانی، حسینعلی، (۱۳۷۹)، انسان در مدیریت، تهران: نشر شیوه.

مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۸۰)، نظریه حقوقی اسلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مصفا، نسرین؛ داور، زهرا، (۱۳۹۱)، میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشردوستانه بین المللی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.

مطهری، مرتضی، (۱۳۶۲)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات الزهرا.

مطهری، مرتضی، (۱۳۷۰)، بیست گفتار، تهران: انتشارات صدرا.

ممتاز، جمشید، (۱۳۸۲)، تقویت همکاری های بین المللی در زمینه حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

منتظری، حسینعلی، (۱۳۸۸)، حکومت دینی حقوق بشر، تهران: گواهان.

هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۲)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ چهارم.

هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران: انتشارات میزان.

هرسی، یال، بلانچارد، کنت، (۱۳۸۶)، مدیریت رفتار سازمانی، (علی علاقه‌مند، مترجم)، تهران: انتشارات امیرکبیر. (نشر اثر اصلی ۱۹۷۲).

Al-D Al- Dawoody, Ahmed, (2015), Al-Sarakhi s contribution to the Islamic Law of War, 14UCLA J. Islamic and Near. L

Amnesty International. (2025). Rights Revealed: Human Rights and Armed Conflict – Part 3: Education in Conflict Zones. London: Amnesty International. [Available at: <https://www.amnesty.org/en/documents/pol32/9094/2025/en>

Al-Haq. (2024). Israel's Violations of Palestinian Children's Right to Education. Retrieved from <https://www.alhaq.org/violations-palestinian-children-education>

BIICL & Education Above All Foundation. (2020). Protecting Education in Insecurity and Armed Conflict: An International Law Handbook (2nd ed.). British Institute of International and Comparative Law. Available at: <https://education4resilience.iiep.unesco.org/resources/2020/protecting-education-insecurity-and-armed-conflict-international-law-handbook>

Convention on the Rights of the Child, (1989), available: www.un.org

Declaration of Islamic Human Rights, (1990).

Defense for Children Palestine. (2024). Palestinian children face learning barriers under Israeli military regime. Retrieved from https://www.dci-palestine.org/deprived_of_education_palestinian_children_face_learning_barriers_under_israeli_military_regime

Fourth Geneva Convention, (1949): available: www.un.org

first Additional Protocol, (1977): available: www.un.org

General comment, (1990), no. 3, E/C. 12/1990/8, 14 DEC

General Comment, (1999), No. 13, E/C. 12/1999/1, Twenty-first session

General comment, (1990), The nature of state parties, obligations, no. 3, e/c. 12/1990/8.

International Covenant on Cultural, Economic, Social, (1966), available: www.un.org

International Committee of the Red Cross (ICRC). (2020). International humanitarian law and peace: A brief overview. Retrieved from <https://international-review.icrc.org/articles/international-humanitarian-law-and-peace-a-brief-overview-927>

International Committee of the Red Cross (ICRC). (2020). Distinction: Protecting Civilians in Armed Conflict. Geneva: ICRC. Retrieved from <https://www.icrc.org/en/publication/0904-distinction-protecting-civilians-armed-conflict>

International Committee of the Red Cross (ICRC). (2024). International Humanitarian Law and the Protection of Educational Infrastructure. Retrieved from <https://www.icrc.org/en/education-international-humanitarian-law>

- Kumar, N. Krishna, (2009), Human Rights Violations in Police Custody, SBS Publishers & Distributors Pvt. Ltd, New Delhi, First Published.
- Manfred Nowake, (1995), The Right to education, Economic, Social and Cultural Rights, (Eide and others) M. Nijhoff.
- Murphy, D. C. (2022). China's Rise in the Global South: The Middle East, Africa, and Beijing's Alternative World Order. Stanford University Press.
- Shaw malcolm, (2008), international law, Cambridge, Sixth Edition.
- Security council resolution, (2021), No 14562, Available:<https://press.un.org/en/2021/sc14562.doc.htm>
- security council resolution, (2021), no 2601, Adopted by the Security Council at its 8889 th meeting, available: www.un.org
- Save the Children. (2024). Education under attack in Gaza, with nearly 90% of school buildings damaged or destroyed. Retrieved from <https://legacy.savethechildren.net/blog/education-under-attack-gaza-nearly-90-school-buildings-damaged-or-destroyed>
- security council resolution, (2011), no 1998, Adopted by the Security Council at its 6581st meeting, Available:[https://www.Security council report.org/atf/cf/B65BFCF9B-6D27-4e9C-8CD3-CF6E4FF96FF9D/CACS20RES1998.pdf](https://www.Security%20council%20report.org/atf/cf/B65BFCF9B-6D27-4e9C-8CD3-CF6E4FF96FF9D/CACS20RES1998.pdf)
- The lim bury principles on the implementation of the einter national covenat on economic, social and cultural rights, maostricht, (1986), available: www.law.un.nl/english/sim/instr/limburg.Asp
- Universal Declaration of Human Rights, (1948), available: www.un.org
- UNICEF. (2023). Children in the Occupied Palestinian Territory: The Struggles for Education and Safety. Retrieved from <https://www.unicef.org/mena/reports/children-occupied-palestinian-territory>
- Vanhullebusch, Matthias, (2009), General principles of Islamic Law of war: A Reassessment in: Cotran, Eugene, Lau, Martin Year book of Islamic and Middle Eastern Law, Brill, Leiden.Boston.